

فرهان امیرزاده، پسرک جوانی که به ورزش‌های پرخطر علاقه دارد

پارکور، بین زمین و آسمان!

در این شماره از نوجوانه سراغ پسرک جوان پرتلاشی رفته‌ایم که علاقه شدیدی به ورزش پارکور و اسکیت دارد. ورزشی که اخیراً در فضای مجازی طرفداران بسیاری پیدا کرده است، البته من به عنوان نویسنده فکر می‌کنم بیشتر علاقه‌مندان به دلیل بازی با مرگ و زندگی، این ورزش را به سمت وسویی اشتباه هدایت می‌کنند.

امیرحسین علی‌نیافرد

نوجوانه



بودن به این معنا نیست که می‌توانیم هر حرکتی که دوست داریم و پر از خطر است انجام دهیم و در نهایت خودمان را بهترین بهترین‌ها فرض کنیم. به نظر فرهان ورزش پارکور یکی از پرهیجان‌ترین ورزش‌های جهان است، اما بهتر است که تمرینات زیادی در این ورزش صورت بگیرد و تقریباً ترجیح می‌دهد خطرهای کمتری را نسبت به آن کارهای عجیب و غریب تجربه کند. در ادامه همچنین فرهان اشاره‌ای دارد به تجهیزات ورزش اسکیت و می‌گوید حالا که تمام شرایط برای زمین‌های اسکیت‌سواری فراهم است؛ بهتر است همیشه با تجهیزات کامل برای این ورزش‌ها قدم برداریم تا مشکل خاص و جدی برای هیچ‌کس پیش نیاید. فرهان در انتها می‌گوید وجود زمین‌ها هیچ‌وقت نوید آن را نمی‌دهد که بدون تجهیزات لازم تمرین و کار کنیم.

طعم تلخ کار نوجوانی

به هرحال برای کسی که در نوجوانی از کشور خود یعنی افغانستان وارد ایران می‌شود، چالش‌های به‌خصوصی وجود دارد که این چالش‌ها فکر می‌کنم تعدادشان از انگشتان دو دست نیز بیشتر و بیشتر می‌شوند. فرهان می‌گوید از ۱۲ سالگی کار کردن را شروع کرده و درست در آن لحظه‌ای که باید از دنیای نوجوانی خود لذت ببرد، به دلایلی به ایران آمده تا بتواند مسیر رشد و توسعه را در زندگی خود تکمیل و بهتر کند. شاید سخت باشد گفتنش اما از ۱۷ سالگی زندگی مستقل خود را شروع کرده تا بتواند جدا از ورزش، کمک‌کننده خود و خانواده‌اش باشد.

صحبت از آینده، قهرمان و الگوها که می‌شود؛ می‌گوید همیشه فیلم‌های نفر اول اسکیت جهان را تماشا می‌کند تا بتواند مانند او حرکات‌های مختلفی انجام دهد.

حرکات پارکور و قدرت‌نمایی‌اش برای صفحه‌مجازی عکس و فیلم درست‌کنند. برای مثال یکی با مادرش تماس می‌گیرد و مادرش التماس می‌کند حواست باشد، خب مادر است دیگر... اما چند لحظه بعد از این تماس، شخص موردنظر حرکت خطرناک‌تر را انجام می‌دهد. در آخرین شاهکار این افراد می‌توانم به پسر جوانی اشاره کنم که بالای پلی می‌رود و با آتش‌نشانی تماس می‌گیرد و او می‌خواهد ترجم به خرج دهد و او را از این کار منع کند. جمله اپراتور آتش‌نشانی بنده خدا تمام نشده، قطع می‌کند و بعد چند ثانیه می‌پرد تا میله‌های چراغ‌برق را بگیرد اما فکر می‌کنید چه می‌شود؟ یک سقوط بد صورت می‌گیرد و در نهایت خود را وسط اتوبان می‌بیند و به زور آن پسرک خودش را جمع می‌کند.

همه اینها را گفتم تا به صحبت‌های فرهان برسیم. او می‌گوید حرفه‌ای



رهایی و قدرت سراسر ذهن و جسم و روحش را درگیر می‌کند و به این صورت می‌تواند از انجام حرکت‌های پرخطر لذت ببرد. البته او تمام اینها را مدیون تمرکز خاصش است که اگر تمرین‌ها و وسایل محافظتی نبودند، شاید هیچ‌وقت به اندازه اکنون نمی‌توانست از این حس‌رهایی، قدرت و آزادی لذت کافی را ببرد. فرهان می‌گوید خوشبختانه زمین‌های فراوانی در تهران برای انجام ورزش اسکیت وجود دارد و در آنجا می‌تواند به انجام حرکات نمایشی مشغول شود. علاوه بر تمام این موارد، او دوست دارد وقتی حرکات نمایشی را به ثبت می‌رساند؛ بقیه از او فیلم و عکس تهیه کنند تا بتواند قدرت بیشتری در مهارت‌های ورزشی خود پیدا کند.

ترکیب پارکور و اسکیت

فرهان می‌گوید که اخیراً در چند ماه گذشته بعد از تماشاکردن ویدئوهای پارکورکارها و افزایش مهارت خودش در اسکیت، به این فکر رسیده که این دو رشته را باهم ترکیب کند، البته باید این را گفت که در مدت گذشته درحال تمرینات سخت پارکوری بوده و اخیراً به چنین فکر و ایده‌ای دست پیدا کرده که با ترکیب این دو رشته ورزشی بتواند خودش را در بالاترین سطح ورزش‌های پریسک محک بزند.

درکل باید بگویم بعد از صحبت با فرهان متوجه این مورد شده‌ام که این پسر جوری به ورزش علاقه‌مند است که کمتر کسی شاید به این حد علاقه دست پیدا کند. او در این رابطه می‌گوید ورزش او اسر حال، شاداب و سلامت نگه می‌دارد و به بقیه همسن و سالانش توصیه می‌کند جدا از هر شعار خاص، سمت مواد مخدر و چیزهایی که مضر هستند، نروند.

من مرد عنکبوتی هستم!

می‌خواهم راحت باشم حرف بزنم. جدیدا همه در دنیای مجازی فکر می‌کنند جزو ابرقهرمانان فیلم‌های مارول از جمله سوپرمن و مرد عنکبوتی و بتمن و... هستند. انگار هرکس دچار این توهم می‌شود؛ به سمت جایی با ارتفاع بالا می‌رود و یک نفر را با خود همراه می‌کند تا از پرش‌ها یا

مبارزات آزاد!

معمولاً در هر خانواده‌ای پیش می‌آید که مادر یا پدر مخالف یا موافق علاقه‌مندی سلیقه فرزندشان باشند. در خانواده‌های خودمان هم مثال‌های زیادی از این جنس وجود دارد که مادر از یک سو نظری را بیان می‌کند و از سمتی دیگر پدر محترم برخلاف مادر خانواده نظر می‌دهد. فرهان می‌گوید پسری مبارز و اهل خطر بوده که از همان کودکی شر و شیطنتش باعث شده از ۱۰ سالگی وارد رشته‌های رزمی شود و حتی اعتراف می‌کند که مبارزات آزاد را در همان سن انجام می‌داده است.

فرهان برادری دارد که شیطنت می‌تواند یکی از نقاط مشترک‌شان باشد؛ چراکه می‌گوید برادرش از همان ابتدا او را تشویق می‌کرده در رشته‌های رزمی فعالیت و تمام هدف ورزشی خود را روی این ورزش سرمایه‌گذاری کند. پدر فرهان نیز یکی دیگر از افرادی است که دلش می‌خواسته، پسرش در رشته‌های پرخطر رزمی ثابت‌قدم باشد و همین‌طور در این سبک قدم‌های بزرگ و بلندی بردارد.

در گوشه داستان زندگی فرهان، مادرش مخالف سرسخت ورزش‌های رزمی و پرخطر و اشتباه‌بوده اما از آنجا که نظر موافقان بیشتر از مخالفان می‌شود، در نهایت داستان ورزشی فرهان به سمت سبک خطرناک‌شده شد.

حالا همه چیز برای رسیدن به رویای ورزشی او آماده است.

آزاد، رها و قدرتمند

هر شخصی در هر جایی که مورد علاقه‌اش باشد، احساس خاصی را تجربه می‌کند که بی‌شک ما نمی‌توانیم درباره آن احساس اطلاعات و حس خاصی داشته باشیم. برای مثال یک دروازه‌بان فوتبال هیچ‌وقت نمی‌تواند احساس یک شناگر یا یک قهرمان شطرنج، یا یک کشتی‌گیر را درک کند. هر ورزش و هر کاری در جای خودش پراز تجارب متفاوت است. فرهان با اسکیت شروع می‌کند که می‌توان آن را جزو یکی دیگر از ورزش‌های پریسک گذاشت.

به قول او وقتی مشغول به حرکت‌زدن حین اسکیت سواری می‌شود، احساس آزادی،



حرفه‌ای بودن به

این معنا نیست

که می‌توانیم هر

حرکتی که دوست

داریم و پراز

خطر است انجام

بدهیم و در نهایت

خودمان را

بهترین بهترین‌ها

فرض کنیم